

چرا امام سجاد (ع) به مبارزات سیاسی نپرداخت ؟

<"xml encoding="UTF-8?">

امام سجاد (ع) با شش خلیفه معاصر بود که هیچ یک با اهل بیت (علیهم السلام) مهر نورزیدند . این خلفا عبارتند از :

1- یزید بن معاویه

2- عبدالله بن زبیر

3- معاویه بن یزید

4- مروان بن حکم

5- عبدالملک بن مروان

6- ولید بن عبدالملک

امام سجاد (ع) پس از شهادت پدر ، در ایام اسارت و در شرایط اختناق ، امامت را به عهده گرفت . این شرایط سخت تا پایان امامت وی ادامه یافت . مسعودی نوشته است : «قام ابومحمد علی بن الحسین (ع) بالامر مستخفیا علی تقیه شدیده فی زمان صعب .

حضرت سجاد (ع) امامت را به صورت مخفی و با تقیه شدید و در زمانی دشوار عهده دار گردید . در چنین مقطع زمانی ، آیا امام (ع) می توانست دست به مبارزات سیاسی و فعالیتهای گسترده فرهنگی و اجتماعی بزند ؟ به نظر می رسد پاسخ منفی است ؛ به دو دلیل :

1- جو اختناق و کنترل شدیدی که حکومتها پس از شهادت امام حسین(ع) به وجود آورده بودند ؛ این اختناق سبب شد مبارزات سیاسی یا مسلحانه نتیجه ای جز هدر رفتن نیروها نداشته باشد . چنان که مبارزات زمان آن حضرت تماما به شکست انجامید . برای درک این وضعیت اسفبار ، توجه به دو روایت زیر سودمند است :

الف) «سهل بن شعیب » ، یکی از بزرگان مصر ، می گوید : روزی به حضور علی بن الحسین (ع) رسیدم و گفتم : حال شما چگونه است ؟

فرمود : فکر نمی کردم شخصیت بزرگی از مصر مثل شما نداند که حال ما چگونه است ؟ اینک اگر وضع ما را نمی دانی ، برای توضیح می دهم :

وضع ما ، در میان قوم خود ، مانند وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسرانشان را می کشتند و دخترانشان را زنده نگه می داشتند . امروز وضع ما چنان دشوار است که مردم با ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها ، به دشمنان ما تقرب می جویند.»

ب) زراره بن اوفی می گوید : دخلت علی علی ابن الحسین (ع) فقال : یازراره الناس فی زماننا علی ست طبقات : اسد و ذئب و ثعلب و کلب و خنزیر و شاه فاما الاسد فملوک الدنیا یحب کل واحد منهم ان یغلب و لا یغلب واما الذئب فتجارکم یذمو (ن) اذا اشتروا و یمدحو (ن) اذا باعوا و اما الثعلب فهولاء الذین یاکلون بادیانهم و لایکون فی قلوبهم ما یصفون بالسنتهم و اما الکلب یر علی الناس بلسانه و یکرمه الناس من شر لسانه و اما الخنزیر فهولاء المخنثون و اءشباههم لایدعون الی فاحشه الا اءجابوا و اما الشاه بین اءسد و ذئب و ثعلب و کلب و خنزیر

«.

حضرت در این روایت ، حاکمان را به شیران درنده و مسلمانان را به گوسفندان اسیر در چنگ درندگان ، تشبیه کرده است .

2- شرایط نا سالم فرهنگی آن روزگار؛ بر اثر فعالیتهای ناسالم حکومتهای وقت و انگیزه های مختلفی که در آن زمان وجود داشت مردم به طرف بی بندوباری سوق داده شدند و با چنین مردمی هرگز نمی شد کارهای بنیادی انجام داد مگر این که تحولی معنوی در آنان به وجود آید . در این موقعیت ، تمام تلاش حضرت سجاد (ع) این بود که شعله معنویت را روشن نگه دارد و این جز از راه دعاها و نیایشها و تذکراتی مقطعی حضرت به خوبی از عهده آن برآمد . ممکن نبود .

در مورد رواج فرهنگ غلط بی بندوباری و فحشا در آن عصر ، یکی از محققان می نویسد : «در مدینه مجالس غنا و رقص برپا می شد و چه بسا زنان و مردان با یکدیگر بودند و هیچ پرده ای نیز در میان نبود . (الشعر والغنای المدینه و مکه ، ص 250) ... عایشه دختر طلحه مجالس مختلط از مردان و زنان برپای کرد و در آن مجالس با فخر و مباهات آواز می خواند . (الآغانی ، ج 10 ، ص 57)

... مدینه پر از زنان آوازه خوان شده بود و آنها نقش فعالی در آموزش غنا به دختران و پسران و گسترش آوازه خوانی و اشاعه بی بندوباری و فساد داشتند»

در تاریخ الادب العربی ، ج 2 ، ص 347 چنین آمده است : «گویی این دو شهر بزرگ حجاز (مکه و مدینه) را برای خنیاگران ساخته بودند ، تا آنجا که نه تنها مردمان عادی ، بلکه فقیهان و زاهدان نیز به مجالس آنان می شتافتند .»

در این موقعیت ، امام سجاد (ع) برای تبیین معارف اسلام و برپاداشتن شجره اسلام و زنده نگه داشتن مشعل معنویت ، از سلاح دعا استفاده کرد و بذر معنویت پاشید تا در موقعیت مناسب ثمر دهد . یکی از نویسندگان معاصر در باره صحیفه سجادیه که در بردارنده دعاهای امام (ع) است . می نویسد : «... صحیفه سجادیه اساس اندیشه انقلابی را تشکیل داده و امت اسلامی نیز نیاز به تکیه گاهی کامل و انقلابی داشته است .

نیاز امت در آن هنگام ، سخن و یا اشعار کینه برانگیز و عواطف لحظه ای و زودگذر نبود ، بلکه به یک نظریه کامل و انقلابی نیاز داشته است . امام زین العابدین (ع) این نظریه را تنها در صحیفه سجادیه که چکیده اصول تربیتی امام (ع) است . تبیین نکرده ، بلکه خود امام زبور ناطق بوده است .»

این نویسنده در مورد تاثیر صحیفه سجادیه در هدایت انقلابیان و حرکتهای اسلامی می نویسد : «من گمان نمی کنم که پس از قرآن کتابی همچون صحیفه سجادیه باشد که این گونه قلب محرومان را تسلی بخشد و خون انقلاب را در رگهای مستضعفان به جوش آورد و دلهای مجاهدان را به درخشش خودروشن کند و هدایتگر انقلابیون در راه مبارزه باشد ...»

عنوان صحیفه ، دعا و نیایش است ؛ اما از موضوعات مبارزاتی و سیاسی تهی نیست . موارد زیر بر درستی این سخن گواهی می دهد :

حضرت در این دعا به صراحت از مسایل زیر که جنبه سیاسی دارد یاد می کند :

(الف) مقام خلافت مخصوص خلفا و اصفیای الهی است .

(ب) مقام خلافت مورد یورش و غصب قرار گرفته است .

(ج) احکام خدا تبدیل گشته و کتاب خدا مورد غفلت قرار گرفته است .

(د) واجبات الهی تحریف شده است .

(ه) سنت پیامبر (ص) متروک گشته است .

متن دعا چنین است : «... اللهم ان هذا المقام لخلفائك و اصفیائك و مواضع امنائك فی الدرجه الرفیعه التي خصصتهم بها قد ابتزوها و انت المقدر لذلك لایغالب امرک و لا یجاوز المحتوم من تدبیرک کیف شئت و انی شئت و لما انت اعلم به غیر متهم علی خلقک و لا لارادتک حتی عاد صفوتک و خلفاوک مغلوبین مقهورین مبتزین یرون حکمک مبدلا و کتابک منبذا و فرائضک محرفه عن جهات اشراک و سنن نبیک متروکه اللهم العن اعداءهم من الاولین و الاخرین و من رضی بفعالهم و اشیاعهم و اتباعهم اللهم صل علی محمد و آل محمد انک حمید مجید کصلواتک و برکاتک و تحیاتک علی اصفیائك ابراهیم و آل ابراهیم و عجل الفرج و الروح و النصره و التمکین و التایید لهم ...»

2. دعای چهل و هفتم :

در زمانی که اهل بیت (علیهم السلام) در فشار به سر می بردند و امیرمومنان (ع) بر فراز منبرها لعن می شد ، حضرت در دعای چهل و هفتم (دعای روز عرفه) به مسایل مهم زیر اشاره می کند :

(الف) مقام امارت و رهبری از آن اهل بیت (علیهم السلام) است

(ب) ائمه (علیهم السلام) از هر پلیدی پیراسته و شایسته وساطت بین خالق و خلق اند .

(ج) دین به وسیله امام منصوب از سوی خداوند تقویت می شود .

(د) خدا اطاعت از ائمه را واجب ساخته است .

فرازی از دعای عرفه آن حضرت چنین است : «رب صل علی اءطائب اهل بیته الذین اخترتهم لامرک و جعلتهم خزنه علمک و حفظه دینک و خلفائك فی ارضک و حججک علی عبادک و طهرتهم من الرجس و الدنس تطهیرا بارادتک و جعلتهم الوسيله الیک و المسلك الی خبتک ...»

«... اللهم انک ایدت دینک فی کل اوان بامام اقمته علمالعبادک و منارا فی بلادک بعد ان وصلت حبله بحبلک و جعلته الذریعه الی رضوانک و افترضت طاعته و حذرت معصيته و امرت بامثال اوامره ... و اته من لدنک سلطانا نصیرا و افتح له فتحا یسیرا ...»

3. دعای چهاردهم :

این دعا سراسر شکوه از ستمگران است که در نظر آن حضرت مصداقی جز حکام وقت ندارد .

4. دعای بیستم : (دعای مکارم الاخلاق)

حضرت در این دعا از خداوند می خواهد او را از سلطه ستمگران نجات بخشد و پیروزش سازد : «اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی یدا علی من ظلمنی و لسانا علی من خاصمنی و ظفرا بمن عاندنی و هب لی مکررا علی

5. دعای چهل و نهم :

حضرت در این دعا از فراوانی دشمنانش و از برنامه های حساب شده آنان جهت آزار و حتی قتل امام به خدا شکوه می کند : «فکم من عدو انتضی علی سیف عداوته و شحذلی ظبه مدیته وارھف لی شباحده و داف لی قوائل سمومه و سدد نحوی صوائب سهامه ولم تنم عنی عین حراسته و اضمّر ان یسومنی المکروه و یجر عنی زعاق مرارته فنظرت یا الھی»

بارخدایا ! چه بسا دشمنی که شمشیر عداوت آخت و بر من تاخت و برای کشتن من خنجر خویش تیز کرد و با دم برنده آن آهنگ جان من نمود و زهر کشنده به آب من بیامیخت و خدنگ جان شکار خویش درکمان نهاد و مرا نشانه گرفت و چون پاسبانان همواره بیدار ، دیده از من برنمی گرفت و در دل داشت که مرا گزندی سخت رساند و شرنگ کینه خویش به کامم ریزد ؛ آنگاه ای خداوند من ! دیدی که»